

بسم الله الرحمن الرحيم

کنکاشی در خصیصه‌ها، پیامدها و انگیزه‌های رابطه

ایران و عربستان

چکیده:

- ۱- روابط دیپلماتیک میان ایران و عربستان سعودی در دوران معاصر فراز و نشیب‌های زیادی را در رابطه با یکدیگر تجربه کرده است. به طوری که روابط این دو کشور بارها بنابر دلایل مختلف قطع و پس از گذشت مدتی دوباره از سر گرفته شده است.
- ۲- آخرین دوره قطع روابط در ۱۳ دی ماه سال ۱۳۹۴ در پی بالاگرفتن اختلافات منطقه ای بین دو کشور و همچنین اعدام شیخ نمر باقر النمر، روحانی مخالف دولت عربستان سعودی زده شد. انتشار خبر اعدام این روحانی شیعه موجی از اعتراض‌ها را در مشهد و تهران مقابل ساختمان کنسولگری و سفارتخانه عربستان به راه انداخت. این عوامل عملاً بهانه‌ای را که سعودی‌ها به دنبال آن بودند، فراهم کرد تا ۲۴ ساعت بعد، وزیر خارجه وقت عربستان اعلام کرد رابطه با ایران را قطع می‌کند. این دور از قطع

روابط هفت سال طول کشید و بالاخره در اسفندماه سال ۱۴۰۱ دو طرف به واسطه گری کشور چین برای عادی سازی روابط دوباره به توافق رسیدند.

۳- اعلام از سرگیری این رابطه که با میانجیگری کشور چین اتفاق افتاده بود بازتاب های متفاوتی را در پی داشته است. برخی از تحلیل گران حوزه روابط بین الملل، از توافق حاصله به عنوان نقطه عطف در تاریخ حوزه روابط بین الملل نام برده اند. برخی دیگر بر آورده های اقتصادی سیاسی این توافق دست گذاشته و دیگرانی هم این موضوع را شاهی بر روند پرشتاب شکل گیری نظم نوین جهانی دانسته اند.

۴- فارغ از تحلیل ها و نقطه نظرات اتخاذ شده در این باره، آن چه مسلم است این است که کاستن اهمیت این رابطه به یک رابطه عادی (که ممکن است در هر زمانی و در بین هر کشوری با کشور های دیگر اتفاق بیافتد) خطاست. درواقع، اتمسفر غالب بر این رابطه ویژگی ها و جایگاه ممتازی را برای آن به ارمغان آورده است.

کنکاشی در خصیصه‌ها، پیامدها و انگیزه‌های رابطه

ایران و عربستان

مقدمه:

روابط دیپلماتیک میان ایران و عربستان سعودی در دوران معاصر قریب به یک قرن قدمت دارد. دو کشور از همان ابتدا فراز و نشیب‌های زیادی را در رابطه با یکدیگر تجربه کرده‌اند به طوری که روابط آنان تا به حال سه بار قطع شده است. برای اولین بار در سال ۱۳۲۲ و به دنبال اعلام تهران مبنی بر اعدام یک زائر ایرانی از سوی مقامات سعودی، روابط قطع شد، اما پس از سه سال در سال ۱۳۲۵ دوباره روابط به حالت عادی بازگشت.

بار دوم سال ۱۳۶۶ و در پی درگیری پلیس سعودی با حجاج ایرانی بود که در آن بیش از ۴۰۰ نفر که اکثرشان ایرانی بودند، شهید شدند. این بار از سرگیری روابط دو کشور چهار سال، یعنی تا سال ۱۳۷۰ طول کشید. سومین دوره قطع روابط در ۱۳ دیماه ۱۳۹۴ در طی بالاگرفتن اختلافات منطقه‌ای بین این دو کشور و همچنین اعدام شیخ نمر باقر النمر، روحانی مخالف دولت سعودی اتفاق افتاد. انتشار خبر اعدام این روحانی شیعه

موجی از اعتراض‌ها را در مشهد و تهران مقابل ساختمان کنسولگری و سفارتخانه عربستان به راه انداخت. این عوامل عملاً بهانه‌ای را که سعودی به دنبال آن بود، فراهم کرد به گونه‌ای که ۲۴ ساعت بعد، وزیر خارجه وقت عربستان اعلام کرد رابطه با ایران را قطع می‌کند.

این دور از قطع روابط که به بهانه اشغال سفارتخانه سعودی در تهران بود، هفت سال به درازا کشید و بالاخره در روز جمعه ۱۹ اسفند ۱۴۰۱ دو طرف با واسطه‌گری کشور چین به منظور عادی‌سازی روابط دوباره به توافق رسیدند. به موجب توافق امضاشده، ایران و عربستان اعلام کردند که روابط دیپلماتیک خود را از سر می‌گیرند و سفارتخانه‌های دو کشور ظرف ۲ ماه آینده افتتاح خواهد شد.

از سرگیری این رابطه با میانجیگری چین در شرایط کنونی بازتاب‌های متفاوتی را در پی داشته است. برخی از تحلیلگران حوزه روابط بین‌الملل، از توافق حاصله به عنوان نقطه عطف در تاریخ حوزه روابط بین‌الملل نام برده‌اند. برخی دیگر بر آورده‌های اقتصادی سیاسی این توافق دست گذاشته و دیگرانی هم این موضوع را شاهی بر شکل‌گیری نظم نوین جهانی دانسته‌اند.

در بین تحلیل ها و نقطه نظرات اتخاذ شده در این باره، آن چه مسلم است این است که کاستن اهمیت این رابطه به یک رابطه عادی (که ممکن است در هر زمانی و در بین هر کشوری با کشورهای دیگر اتفاق بیافتد) خطاست. وزن طرفین رابطه، شرایط خاص منطقه و بین الملل و... به اهمیت ویژه این موضوع افزوده است. در این نوشتار به ترتیب در دو بخش به ویژگی ها، جایگاه و پیامدهای این ارتباط در عرصه کلان و سپس انگیزه های شکل گیری طرفین پرداخته می شود:

بخش اول: ویژگی ها، جایگاه و پیامدها در عرصه کلان

شرایط خاص منطقه و روابط بین الملل رابطه اخیر ایران و عربستان را از اهمیت، جایگاه و پیامدهای خاصی برخوردار کرده است که در این بخش به چند مورد از آنها اشاره می گردد:

۱- بیانیه "تمام آسیایی": موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک منطقه

غرب آسیا و خلیج فارس همواره سبب شده است تا قدرتهای منطقه ای و فرمانطقه ای در مورد حضور و تسلط بر این نقطه از کره خاکی رقابت و منازعه داشته باشند. زمانی پرتغالی ها و زمانی انگلیسی ها سعی بر حفظ و کنترل این آبراه استراتژیک داشتند. خروج انگلیس از شرق کانال سوئز در

سال ۱۹۶۸ که شامل منطقه خلیج فارس نیز می‌شد این فرصت را به ایالات متحده داد تا در کوران جنگ سرد سعی کند مانع تسلط رقیب بر منطقه گردد. از این زمان به بعد آمریکا همواره در تحولات منطقه حضور و نقش داشته است. در تاریخ حداقل ۲۰۰ ساله این منطقه، هیچ قرارداد، بیانیه و معاهده‌ای اعم از معاهده جنگ یا صلح به امضا نرسیده است مگر آن که یک طرف آن به طور با واسطه یا بدون واسطه به طرف غربی به ویژه آمریکا باز نگردد. از این جهت امضای توافق بین ایران و عربستان با میانجگری چین به عنوان یک معاهده تماما آسیایی بسیار قابل تامل است.

۲- جایگاه و وزن طرفین قرارداد: ایران و عربستان دو کشوری هستند که

هر کدام به نوبه خود داعیه پرچمداری جهان اسلام را دارند اختلاف و رقابت خصمانه میان این دو کشور منجر به بروز مشکلات زیادی برای هر دوی آنان شده است. لذا از سرگیری روابط بین این دو می‌تواند افق روشنی از اتحاد جهان اسلام و آینده منطقه را نوید دهد. از طرفی دیگر عربستان پنجمین کشور بزرگ در آسیا، دومین کشور بزرگ در جهان عرب و بزرگ‌ترین کشور در غرب آسیا است. جایگاه‌های مهم دینی مسلمانان هم چون کعبه، آرامگاه پیامبر اسلام (ص)، قبرستان بقیع و مسجدالنبی

موقعیت فرهنگی مذهبی ویژه‌ای را برای این کشور به ارمغان آورده است. روابط ایران و عربستان سعودی به عنوان دو کشور مهم و تأثیرگذار، یکی از مهم‌ترین عناصر تعیین‌کننده ساختار سیاسی و امنیتی این منطقه به شمار می‌رود؛ لذا جمهوری اسلامی ایران بر اساس اشتراکات دینی و منافع جهان اسلام، همکاری و همگرایی با کشورهای خلیج فارس را در صدر اولویت‌های سیاست خارجی خویش قرار داده، و در این میان روابط ایران و عربستان سعودی به دلیل جایگاه مهم این دو کشور در جهان اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۳- میانجی‌گری چین: نکته حایز اهمیت دیگر به نقش کشور چین در واسطه‌گری این مذاکره برمی‌گردد. چین جایگاه دومین اقتصاد بزرگ جهان را داراست. این کشور عظیم‌ترین ذخیره ارزی خارجی به مبلغ ۳٫۱ تریلیون دلار را در اختیار دارد و بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده کالا به جهان است، همچنین این کشور پرشتاب‌ترین بازار مصرف و دومین کشور واردکننده دنیا است. چین به‌رغم توانمندی‌های مذکور تا قبل از این واسطه‌گری، به عنوان کنشگر سیاسی در روابط بین‌الملل محسوب نمی‌شده است ولی با این اقدام مهم یک چهره سیاسی قدرتمند و قدرت ساز از خود نشان

داد که آمریکا دهه‌ها با جنگ و مداخله‌گری تلاش داشت از خود به نمایش بگذارد. لذا این اتفاق گامی مهم در راستای تحقق نظم نوین جهانی است که نمی‌تواند از دیدگان هیچ تحلیلگری مخفی بماند.

۴- ایجاد ثبات و آرامش در منطقه: روابط ایران و عربستان تحت تأثیر

برخی عوامل مداخله‌گر مثل نقش آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و نیز تنش‌هایی سیاسی داخلی به چالش کشیده شده بود و در شرایط مطلوبی قرار نداشت. به‌طور کلی، ساختار ژئوپلیتیک منطقه، بحران بی‌اعتمادی بین تهران و ریاض را ایجاد و تقویت می‌کرد. از مهمترین اقدامات عربستان بر علیه منافع ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- _ کمک به تثبیت حضور آمریکا در خلیج فارس
- _ سعی در عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی
- _ مقابله با گفتمان مقاومت در کشورهای منطقه
- _ ایجاد اختلال در روند توافق برجام
- _ اختلال در فروش نفت ایران و در نتیجه هموار کردن بستر تحریم‌ها
- _ ایجاد ائتلاف‌سازی در منطقه علیه ایران (به‌طور عمده در قالب شورای همکاری خلیج فارس)

_ ایجاد ایران‌هراسی در جهان از طریق شبکه های ماهواره ای علی الخصوص شبکه ایران اینترنشنال

_ به رسمیت شناختن ادعاهای ضد ایرانی از جمله ادعای واهی امارت عربی متحده در خصوص جزایر سه گانه ایران

-حمایت از آشوب ها و اغتشاشات سالهای اخیر در کشور جمهوری اسلامی ایران

ایران اسلامی نیز بر اساس سه اصل "عزت، حکمت و مصلحت" سیاست خارجی خود را در منطقه بر محورهای زیر تنظیم کرده است:

_ مقابله با هژمونی آمریکا

_ حمایت از نیروهای مقاومت

_ مقابله با گروه‌های تروریستی تکفیری_ وهابی همانند داعش

_ حمایت از مستضعفین منطقه

طبیعی است که ارتباط جدید ایران و عربستان از تناقضات مذکور خواهد کاست و در نتیجه بر صلح و ثبات منطقه ای تاثیر خواهد گذاشت.

۵- حذف آمریکا از جایگاه پدرخواندگی منطقه و شتاب گیری محو شدن

رژیم صهیونیستی: نکته قابل توجه در این رابطه، حذف آمریکا از جایگاه

پدرخواندگی کشورهای منطقه و در تنگنا قرار گرفتن حیات رژیم صهیونیستی است. واقعیت مطلب این است که آمریکایی‌ها حتی در کشورهای هم‌پیمان خود در منطقه از جمله عربستان نفوذ خود را از دست داده‌اند چون اگر غیر از این بود به هر نحو ممکن از وقوع این ارتباط جلوگیری می‌کردند. چند مورد از اظهارات خود تحلیلگران غربی و صهیونیستی در این باره قابل توجه است:

- **نفتالی بنت نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی:** از سرگیری روابط عربستان و ایران تحول خطرناک برای اسرائیل و یک پیروزی سیاسی برای ایران به شمار می‌رود... این توافق شکست کوبنده و بزرگی برای دولت نتانیاهاوست که سهل‌انگاری سیاسی و ضعف عمومی و نزاع و درگیری داخلی در دولت اسرائیل را نشان می‌دهد.

- **یائیر لاپید نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی:** این توافق شکستی تمام‌عیار برای رژیم صهیونیستی است، با این توافق دیوار دفاعی منطقه‌ای که علیه ایران ساختیم ویران شد.

-**باراک راوید:** اگر توافق اجرا شود، ضربه سختی به اسرائیل و قراردادهای صلح است و این که نخست‌وزیر اسرائیل در ۱۰ هفته گذشته با چیزهای بیهوده سروکار داشته است.

-**بیل هگرتی سناتور آمریکایی:** توافق ایران و عربستان افول واشنگتن است.

-**مارک دابوویتز مدیراندیشکده ضدایرانی «دفاع از دموکراسی‌ها»:** در توئیتز نوشت: «احیای روابط ایران و سعودی در نتیجه میانجی‌گری چین، باخت، باخت، برای منافع آمریکا است»

-اندیشکده‌ها و رسانه‌های غربی در تحلیل‌ها و گزارش‌هایی به شکست مفتضحانه آمریکا و اسرائیل اشاره کردند.

-**رویترز:** توافق تهران- ریاض با ایفای نقش چین، سیلی بر صورت دولت بایدن بود.

- **نیویورک تایمز:** توافق ایران و عربستان را ضرری بزرگ برای منافع آمریکا است، نزدیکی روابط تهران- ریاض به ابتکار پکن، یک چالش ژئوپلیتیک برای واشنگتن ایجاد کرده است.

- **فایننشال تایمز:** توافق تهران-ریاض پیروزی برای دیپلماسی چین و چالش برای آمریکا است.

- **شبکه آمریکایی «MSNBC»:** توافق ایران و عربستان خبری است که حقیقتاً منطقه را در بهت فرو برد. نزدیک شدن عربستان به ایران می تواند مشکلات جدی برای اسرائیل و روند عادی سازی روابط با کشورهای عرب خلیج فارس پدید بیاورد. کارشناسان امنیت ملی در آمریکا از نقش چین بسیار نگرانند.

۶.امضای توافق پس از شکست پروژه اغتشاشات در ایران: نکته ای که نباید از نظر دور داشت به نقش مهار اغتشاشات در ایران مربوط می شود. از سرگیری روابط بین ایران و عربستان زمانی امضا و اعلام شده است که تنها چند ماه از پایان اغتشاشات در ایران می گذرد اغتشاشاتی که دشمنان تمام همت خود را برای فروپاشی کشور جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته بودند. کشور عربستان از طریق حمایت همه جانبه مالی از شبکه های ضدانقلاب به ویژه شبکه ایران اینترنت نشنال به فتنه انگیزی و دروغ پراکنی می پرداخت و ایجاد فضای ملتهب در ایران را دنبال می کرد. به طوری که این شبکه سر تا پا دروغ و خیانت از نخستین ساعات شروع اعتراض در ایران،

با برنامه‌ریزی‌هایی که از قبل با همراهی مزدوران خود در داخل کشور انجام داده بود، شکل و فضای اعتراض را کاملاً تغییر داد و با سوار شدن بر امواج این حرکت، فضای اغتشاشات را راه اندازی کرد.

حال، سوالی که در این میان مطرح است این است که چطور می‌شود کشوری که تا ماه‌های پیش بر طبل جنگ با ایران می‌دمید و میانداری اغتشاشات در ایران را عهده دار بود حال به فکر از سرگیری روابط با ایران افتاده است؟ پاسخ ساده است: ناامیدی از فروپاشی ایران و پذیرش ایران (بخوانید = ایران قوی) به عنوان کشوری که بایستی از این پس نقش آن را در روابط منطقه‌ای، بین‌الملل و در یک کلام نظم نوین جهانی پذیرفت و تعامل با آن را بر تقابل ترجیح داد.

بخش دوم: انگیزه‌ها و دلایل از سرگیری روابط

در این بخش به ترتیب به اهداف و انگیزه‌های واسطه‌گری چین، انگیزه‌های عربستان و سپس جمهوری اسلامی ایران از امضای این توافق پرداخته می‌شود:

۱- اهداف چین:

همانطور که گفته شد کنشگری سیاسی چین در حوزه روابط بین الملل علیرغم توانمندی های اقتصادی که داراست، با محافظه کاری حادی عجین بوده است اما با این اقدام مهم (میانجگری میان ایران و عربستان) چهره سیاسی قدرتمندی را از خود به نمایش گذاشت در این بخش به مهمترین دلایل این اقدام می پردازیم:

۱-۱- **تقابل با هژمونی غرب به سرکردگی آمریکا: ابتکار میانجی**

گری چین در مجادله درازمدت ایران و عربستان، نمود عینی و نماد واقعی از تلاش این کشور برای تقابل با هژمونی آمریکا در منطقه غرب آسیاست. به زعم چینی ها غرب در حال ورود به مرحله چالش با آنهاست که نمونه بارز این موضوع را می توان در سند امنیت ملی آمریکا جست و جو کرد که در ماه مارس ۲۰۲۱ تا اکتبر ۲۰۲۲ منتشر شده و طی آن، دولت بایدن عملاً چین و روسیه را به عنوان تهدید راهبردی خود در نظر گرفته است. بر همین اساس اقدام چین را می توان مقابله ای مهم با سناریوهای احتمالی آینده غرب علیه چین لحاظ کرد.

۱-۲- **ارائه الگوی تازه و متفاوت از کنشگری یک قدرت بزرگ**

جهانی: شعار و سناریوی "تفرقه بینداز و حکومت کن" در تاریخ روابط

بین الملل عبارت غریبی نیست. چه منافع و بهره برداری های هنگفتی که از این طریق عاید قدرت های بزرگ نشده است!!! در این الگوی بازیگری تفاوتی میان بریتانیای کبیر قرن نوزدهم، روسیه تزاری و یا ایالات متحده آمریکا نیست. لذا ابتکار میانجی گری چین در اختلافات مناقشه انگیز ایران و عربستان به هدف آشتی دو قدرت منطقه ای، الگوی تازه و متفاوتی از کنشگری یک قدرت بزرگ جهانی (بخوانید: دیپلماسی میانجی گری) را ارائه می دهد که این خود جذابیت و کسب اعتبار و احترام برای کشور چین و رهبران آن را در پی خواهد داشت.

۱-۳- تضمین روند رو به رشد اقتصاد چین: ابتکار میانجی گری

پکن میان ایران و عربستان و کسب افتخار و اعتبار ناشی از آشتی و توافق این دو قدرت رقیب و پرچالش منطقه ای برای چین، این قدرت را در موقعیت سیاسی، اخلاقی و البته اقتصادی به مراتب مناسب تری در منطقه غرب آسیا و مشخصاً خلیج فارس قرار می دهد که سود سرشاری را از منظر منافع اقتصادی، سرمایه گذاری ایمن و با ثبات، تأمین و تضمین امنیت انرژی و پیشبرد پروژه عظیم "کمربند جاده ابریشم" نصیب این کشور خواهد کرد.

۱-۴- تعمیق و تحکیم مناسبات با دیگر قدرت های منطقه ای:

تعمیق و تحکیم مناسبات دو قدرت مهم منطقه ای یعنی ایران و عربستان، علاوه بر منافع اقتصادی عظیم ناشی از آن، از منظر رقابت با ایالات متحده آمریکا منجر به تقویت روند همکاری های سیاسی امنیتی این کشور با دیگر کشورهای منطقه از جمله کشورهای گروه مقاومت و کشورهای شیخ نشین خواهد شد.

۲-اهداف عربستان :

آگاهی از دلایل اشتیاق عربستان برای از سرگیری روابط با ایران، خود حاوی نکات مهمی است که برای فهم شرایط جدید منطقه و بین الملل نباید از آن غفلت کرد. به چند مورد از این نکات پرداخته می شود:

۱-۲. نگرانی از سیاست های آمریکایی: با روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا و اعمال فشار حداکثری بر ایران، سعودی ها فرصت را مغتنم شمرده و برای مهار ایران دست به کار شدند تا شاید برای همیشه از قبَل فرصت پیش آمده برتری منطقه را کسب کنند. دیری نپایید که آمریکا خود وارد چالش های دیگری در جهان از جمله رقابت با چین، جنگ روسیه با اوکراین و ... شد. همچنین با روی کار آمدن بایدن، تعلیق فروش تسلیحات

به ریاض، به جریان انداختن پرونده قتل جمال خاشقجی و بی‌اعتنایی
بایدن به بن‌سلمان منجر به کاهش بلندپروازی‌های بن‌سلمان شد و آنها را
از انتزاعی‌اندیشی به سمت واقع‌گرایی سوق داد.

همچنین قرار بود آمریکا در قبال خرید نفت مورد نیاز خود، موجب
بازدارندگی عربستان در مقابل رقبایش خصوصاً ایران شود. اما در جنگ یمن
تاسیسات نفتی ریاض هدف قرار گرفت و خبری از واکنش ایالات متحده
نشد. اینجا بود که تصمیم‌گیران عربستان سعودی فهمیدند که باید در
راهبرد امنیتی خود تجدیدنظر کنند زیرا آمریکا یک متحد قابل اعتماد نیست
و مهم‌تر از آن به این نتیجه رسیدند که این ایران است که با وجود تمام
اختلافات، همسایه عربستان است و در بسیاری از موارد با آنها اشتراک
منافع دارد.

۲-۲. رهایی از باتلاق خود ساخته در جنگ یمن: ۶ سال است که عربستان
در یک اقدام کاملاً مبهم و با وسوسه آمریکایی‌ها خود را وارد باتلاقی
کرده است که خودش به تنهایی از نجات خود عاجز است. در مقابل
حمله‌های فزاینده جنبش انصارالله یمن به تاسیسات صنعت نفت و گاز
عربستان و زیرساخت‌های این کشور در بنادر، فرودگاه‌ها، خشم و نگرانی

مردم را در عربستان به دنبال داشته و آنها را به سمت خواستار انتقال فوری به سوی ابزارهای دیپلماتیک سوق داده است. شاید بتوان خواست عربستان برای پایان این بحران را مهمترین عامل منطقه‌ای دانست که «محمد بن سلمان» را به سمت مذاکره و عادی‌سازی روابط با تهران وادار کرده است. سعودی‌ها می‌خواهند از این جنگ فرسایشی و پرهزینه خلاص شوند اما بدون کمک ایران نمی‌توانند.

۲-۳. ناکامی طرح ایران هراسی در منطقه: رهبران سعودی به خوبی این موضوع را درک می‌کند که تکیه بر موضوع «ایران‌هراسی» دیگر اهمیت خود را در میان کشورهای عربی از دست داده است. این موضوع را پیش از هر چیزی در تغییر گفتمان اتحادیه عرب درباره ایران در مواردی همچون بهبود روابط ایران با بحرین، قطر و ... می‌توان مشاهده کرد.

سایر دلایل:

-جنگ اوکراین: پیشروی موفقیت آمیز روسیه در جنگ با اوکراین، عربستانی‌ها را به وعده‌های توخالی ناتو و آمریکا آگاه تر ساخته است.

-وضعیت نابسامان اسرائیل: وقوع اعتراضات و اختلافات در داخل رژیم صهیونیستی به عنوان مهمترین متحد استراتژیک آمریکا از دیگر دلایل تغییر نگاه منطقه ای عربستانی هاست.

-نامیدی از فروپاشی و اضمحلال ایران: ولیعهد سعودی در زمستان سال ۱۳۹۶ که تهدید می کرد «جنگ را به داخل خاک ایران می کشاند» اکنون بنا بر دلایل پیش گفته سرش بر صخره واقعیت خورده و ناچار است تعامل با ایران را بر تقابل ترجیح دهد.

۳. اهداف جمهوری اسلامی ایران:

۳-۱. فراهم شدن امکان رابطه ایران با سایر کشورهای عربی و منطقه: نکته حایز اهمیت روابط میان ایران و عربستان فراهم شدن بستر روابط ایران با سایر کشورهای عربی است. از آنجا که بعضی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بصورت غیر رسمی و غیررسمی پرچمداری عربستان بر جهان عرب را پذیرفته بودند و قطب‌نمای روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران با قطب‌نمای عربستان هماهنگ می کردند لذا بهبود روابط میان ایران و عربستان بر تعمیق روابط دیگر کشورهای عربی با ایران کاملاً اثرگذار خواهد بود. ابراز خرسندی کشورهای منطقه از جمله عراق، عمان، ترکیه،

قطر، امارات، و... حتی برخی کشورهای اروپایی در مواضع، بیانیه و پیام‌های خود از این توافق در همین رابطه قابل تحلیل است. در واقع بهبود رابطه تهران- ریاض منحصر به این دو پایتخت نخواهد بود و در صورت عادی سازی رابطه آنها، متحدان عرب دولت سعودی نیز رابطه خود با ایران را بهبود خواهند بخشید و یک دومینوی منطقه ای رفع تنش شکل خواهد گرفت.

۲-۳. تحت فشار قرار گرفتن رژیم صهیونیستی: با استناد به تحلیل خبرگزاری آسوشیتدپرس، با عنوان تاثیر این توافق بر موقعیت منطقه‌ای رژیم صهیونیستی و شخص نتانیا هو که به شدت مورد توجه قرار گرفت و جنجال و سروصدای زیادی به پا کرد، توافق میان ایران و عربستان، می‌تواند تمام رویکردهای سیاست خارجی تل‌آویو در نزدیکی با اعراب و منزوی ساختن هرچه بیشتر تهران را بر باد دهد و در عین حال موقعیت داخلی به شدت شکننده نتانیا هو را نیز بیش از پیش تضعیف کند؛ به‌ویژه با در نظر گرفتن این مساله که نتانیا هو از سیاست خارجی به‌عنوان ابزاری برای سرپوش گذاشتن بر ناکارآمدی‌ها و ناتوانی‌های داخلی دولتش بهره‌گیری می‌کند.

۳-۳. **فرصت‌ها و مزیت‌های اقتصادی:** اقتصاد ایران به دلیل تحریم‌های طولانی مدت و غیر انسانی آمریکا با چالش‌هایی همراه شده است. از آنجایی که عربستان سعودی بزرگ‌ترین و قدرتمندترین اقتصاد غرب آسیا است، ایران می‌تواند با بهبود رابطه با سعودی از فشار تحریمی آمریکا کم کرده و از این طریق منفعت اقتصادی زیادی کسب کند. البته این رابطه آنطور که استدلال شد در بین ایران و عربستان محصور نخواهد ماند در نتیجه روابط سیاسی و تجاری ایران با همه کشورهای ائتلاف سعودی به ایران فرصتی می‌دهد تا جانی تازه به اقتصاد خود ببخشد.

سایر دلایل:

- پایان بخشیدن به پروژه ایران هراسی که بخش عظیم این رویکرد با هزینه‌های عربستان استمرار پیدا می‌کرد.

- توقف و یا ایجاد چالش جدی در اجرای طرح‌هایی چون طرح ابراهیم (عادی سازی رابطه رژیم صهیونیستی با اعراب) که با هدف انزوای ایران دنبال می‌شد و همچنین ناتوی عربی که اهداف مشابهی را دنبال می‌کرد.

- توسعه قدرت چانه زنی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در مذاکراتی همچون برجام.

- تسهیل در روند فروش نفت.